



The Future Studies of the Impact of the Cyberspace on Iranian Poetry

Arash Shafai-Bajestan*

Ph.D. Student in Communication Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. arash.shafai@gmail.com

Mohammad Reza Rasouli

Associate Professor of Communication Sciences and Media Studies, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran rasouli57@yahoo.com

Parvin Salajeghe

Associate Professor of Persian Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran salajeghe@gmail.com

Abstract

Purpose: The present research aimed at finding an answer to the question of the process of influence of cyberspace on Iranian Poetry in the future, and the influence of cyberspace on various aspects of poetry such as content, its audience, the poet, the media that published the poem, the process of composing the poem, the rights of the author, and Globalization of the Iranian poetry.

Method: The Delphi technique was used to carry out this research. A group of experts comprising professors in the fields of Communication and Literature was selected. The expert's opinions were collected and analyzed through an in-depth interview, a questionnaire based on the Likert scale, and by the execution of three stages of Delphi rounds.

Findings: Accordingly, considering the content, the experts predicted that due to the impact of cyberspace, the quality of the poetry will be reduced and consequently, the language of poetry will become simpler and close to prose and it will only reflect the daily events of life. Regarding the audience, they concluded that the audience's selection power will be increased, however, we can differentiate between the public and professional audience. With respect to the sender, there will be no phenomenon of multi authors, and regarding the channel, the experts agreed upon Media Convergence besides, the poets' agency in publishing their own poems will be increased.

Conclusion: Experts believe that the spread of communication technologies will make censorship ineffective. This is the only case in which the group believes in the impact of technology on the future of poetry. The group of experts did not reach a consensus regarding the impact of technology on the phenomena such as publication of author's poems as one's original work and the Globalization of Iranian poetry, thus, analyzed these items in the framework of the human agency.

Keywords: Poetry, Cyberspace, Globalization, Multimedia, Futures Studies.

Cite this article: Shafai-Bajestan, Rasouli & Salajeghe (2022) The Future Studies of the Impact of the Cyberspace on Iranian Poetry, Semiannual Journal of Iran Futures Studies, Research Article, Vol.7, NO.2, Fall & Winter 2023, 79-101.

DOI: 10.30479/jfs.2022.16600.1362

Received on 3 December, 2021 **Accepted on** 12 July, 2022

Copyright© 2022, The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University



Corresponding Author: Arash Shafai-Bajestan

E-mail: arash.shafai@gmail.com

آینده پژوهی تأثیر فضای مجازی بر شعر ایران

آرش شفاعی بجنستان*

دانشجوی دکترای علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، arash.shafai@gmail.com

محمد رضا رسولی

دانشیار علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، rasouli57@yahoo.com

پروین سلاجقه

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، salajeghe@gmail.com

چکیده

هدف: در این پژوهش، به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که روند تأثیرگذاری فضای مجازی بر شعر ایران، در آینده چگونه خواهد بود و فضای مجازی بر حوزه‌های مختلف شعر؛ مانند متن، مخاطب، شاعر، رسانه‌های انتشار شعر، فرآیند سرودن شعر، حقوق مؤلف و جهانی شدن شعر فارسی چه تأثیراتی خواهد داشت.

روش: برای این منظور، از روش دلفی استفاده کرده‌ایم. گروه خبرگانی، متشکل از استادان رشته‌های ارتباطات و ادبیات انتخاب شدند و با استفاده از مصاحبه عمقی و پرسش‌نامه بسته، با مقیاس لیکرت و با اجرای سه مرحله راندهای دلفی، نظرات آنان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: براین اساس، در حوزه پیام، پیش‌بینی گروه خبرگان این بوده است که به دلیل تأثیرات فضای مجازی، شاهد تنزل کیفی شعر خواهیم بود که در نتیجه آن، زبان شعر، ساده و شبیه به نثر خواهد شد و مضمون‌های بازتاب دهنده اتفاقات زندگی روزمره، رواج خواهد یافت. در حوزه مخاطب نیز قدرت گزینشگری مخاطب بیشتر خواهد شد، اما همچنان مخاطبانی وجود خواهند داشت که به دنبال گزینشگری فعالانه هستند و مخاطبانی نیز منفعلانه از گزینشگری افراد یا گروه‌های دیگر پیروی خواهند کرد. همچنین در حوزه فرستنده، پدیده چندمؤلفی اتفاق نخواهد افتاد و در حوزه کانال، خبرگان به همگرایی رسانه‌ای در کنار افزایش عاملیت شاعران در انتشار، معتقد بودند.

نتیجه‌گیری: هم‌نویی میان گروه خبرگان در این امر که گسترش فناوری‌های ارتباطی، باعث بی‌اثر شدن سانسور خواهد شد، تنها موردی است که این گروه، نقش فناوری را در آینده شعر مؤثر می‌بینند. گروه خبرگان، در مورد چگونگی تأثیر فناوری بر پدیده‌هایی چون انتشار شعر دیگران به نام خود و جهانی شدن شعر ایران، اتفاق نظر نداشتند و این موارد را در چهارچوب عاملیت انسانی تحلیل می‌کردند.

واژگان کلیدی: شعر، فضای مجازی، جهانی شدن، چندرسانه‌ای، آینده پژوهی.

* استناد: شفاعی بجنستان، رسولی، زنگنه شهرکی و سلاجقه (۱۴۰۱)، آینده پژوهی تأثیر فضای مجازی بر شعر ایران، دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۷۹-۱۰۱.
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۴/۲۱
ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱- مقدمه

مطبوعات، یکی از پدیده‌های جدیدی است که از دوران سلطنت محمدشاه قاجار وارد ایران شد. ورود مطبوعات به ایران، خود با تأخر زمانی حدود دو و نیم قرن همراه بود؛ اما بازهم حدود هفت دهه زمان نیاز بود که مطبوعات، جایگاه واقعی خود را در جامعه ایرانی پیدا کنند. علاقه‌مندی مردم ایران به شعر، باعث شده بود که مباحث مرتبط به ادبیات و نیز ترجمه شعر شاعران خارجی، از مباحث مورد توجه در مطبوعات آن دوران باشد. در دوران پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، نشریات ادبی نیز که به‌طور ویژه به مباحث ادبی بخصوص شعر می‌پرداختند، به عرصه مطبوعات ایران وارد شدند؛ از جمله این مجلات می‌توان به بهار، دانشکده، وفا، دبستان و نوبهار اشاره کرد (شفیعی کدکنی: ۱۳۹۰: ۱۴۹).

درباره تأثیر مهم انتشار شعر شاعران خارجی بر ایجاد جریان‌های شعری و رواج قالب‌ها و مضمون‌های مختلف از دوران مشروطیت تا انقلاب اسلامی، پژوهشگران بسیاری پژوهش‌های خود را منتشر کرده‌اند. یحیی آرین‌پور، در «ز صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی» (۱۳۷۲)، شفیعی کدکنی در کتاب‌های «دوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت» (۱۳۸۳)، «با چراغ و آینه» (۱۳۹۰) و شمس لنگرودی در کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» (۱۳۸۷)، در این باره به‌صورت مشروح نوشته‌اند و این تأثیرگذاری را تا جایی می‌دانند که شفیعی کدکنی معتقد است؛ ترجمه، باعث شد، رتوریک شعر فارسی از دوران مشروطه به بعد به‌کلی تغییر کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

از سال ۱۳۸۰، شکل دیگری از فناوری‌های ارتباطی؛ یعنی رسانه‌های تحت وب به ایران وارد شد. در این دوران، ادبیات ایران، از ظرفیت‌هایی که اینترنت در اختیارش قرار داده بود، استفاده کرد و وبلاگ‌ها، شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی، با رویکرد ادبیات و شعر در ایران رواج یافت. نگارندگان، بیشتر در تحقیقی، تأثیرگذاری فضای مجازی بر شعر معاصر ایران را بررسی کرده و با استفاده از روش داده‌بنیاد، بر مبنای تجربه زیسته شاعران معاصر، به این نتیجه رسیده‌اند که به اعتقاد شاعران، فضای مجازی، فضایی برای مطرح شدن شعرهای ضعیف و انتشار شعرهای جعلی فراهم آورده است. همچنین فضای مجازی از یک‌سو به شهرت شاعران کمک کرده و از سوی دیگر، انحصار تولید و عرضه شعر را از دست نخبگان خارج کرده است. همچنین شاعران اعتقاد داشتند که گسترش فضای مجازی، دایره مخاطبان شعر را گسترده‌تر و امکان تأثیرگذاری مافیای نشر، رسانه

و سانسور را در روند آفرینش ادبی، کم کرده است (شفاعی، رسولی و سلاجقه: ۱۳۹۹، ۵۸ تا ۶۱).

اما سؤال اینجاست که این تأثیرگذاری، در آینده تا کجا پیش خواهد رفت؟ آیا شعر در آینده به دلیل تأثیرگذاری فضای مجازی، ماهیت دگرگونی خواهد یافت و یا فرصت‌های تازه، برای مطرح شدن در سطح اول ادبیات جهان، بدست خواهد آورد؟ ما در این مقاله، به این موضوع پرداخته و سعی کرده‌ایم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم. بر این اساس، پرسش‌های ما در این پژوهش، در ادامه ذکر خواهد شد:

۱- فضای مجازی، در آینده باعث ایجاد چه تغییراتی در مفهوم مؤلف (شاعر) خواهد شد؟

۲- پیشرفت‌های فناورانه، شعر را به‌عنوان یک پیام، دچار چه تغییراتی در شکل و محتوا خواهد کرد؟

۳- مفهوم و شیوه مشارکت مخاطب، در فرآیند تولید و مصرف شعر، دچار چه تحولاتی خواهد شد؟

۴- در آینده، رسانه اصلی انتشار شعر چه خواهد بود؟

۵- فناوری‌های نوین و هوشمند شدن بیش از پیش فضای مجازی، چه پیامدهایی در فرآیند تولید، عرضه و مصرف شعر خواهد داشت؟

۲- مبانی نظری

مبنای این پژوهش، بر اساس مدل ارتباطاتی لاسول^۱ بوده است. لاسول، در این مدل، پنج عنصر را در ایجاد یک فراگرد ارتباطی مؤثر می‌دانست؛ شامل پیام، پیام‌فرست، پیام‌گیر، کانال ارسال و تأثیر پیام بود. این مدل، برای بررسی و تحلیل، مدلی ساده و کاراست و هنوز قدرت تحلیل خود را حفظ کرده است، اما برای پوشاندن برخی ایرادات که به این مدل گرفته می‌شود، ما عناصر ارتباطی دیگری را که لاسول به‌صراحت در مدل خود نیاورده است، لحاظ کرده‌ایم. برای مثال؛ یکی از عناصر ارتباطی که در مدل لاسول به‌روشنی جایی به آن داده نشده، «بازخورد» است که در این پژوهش، آن را در بررسی تأثیرات فضای مجازی بر پیام، لحاظ کرده‌ایم. همچنین لاسول، در تدوین مدل خود، اثرگذاری را محدود به تأثیری می‌دید که فرآیند ارتباطی بر مخاطب می‌گذارد. در این مقاله، این بخش از نظریه او را به کل فرآیند تولید، توزیع و مصرف شعر تعمیم دادیم تا دیگر اثراتی که به‌واسطه‌ی فضای مجازی در ادبیات و شعر ایجاد شده است، بررسی شود.

1. Harold Lasswell

دیجیتالی شدن حوزه‌های مختلف زندگی، از مهم‌ترین تأثیرات اینترنت در دوران معاصر است و با افزایش کیفیت، سرعت و گستردگی روند دیجیتالی شدن، تأثیرپذیری شدید حوزه‌های فرهنگی، از جمله ادبیات نیز مورد انتظار است؛ اما سؤال اینجاست که آیا ادبیات دیجیتالی یا اینترنتی، ادامه منطقی و شکل به‌روز شده‌ای از ادبیات مدرن است یا این که باید تصور و تعریف خود از ادبیات را از بنیاد تغییر دهیم؟ به این پرسش از دو منظر متفاوت پاسخ داده شده است.

منظر اول معتقد است؛ ادبیات الکترونیکی، باید در ادامه و چهارچوبی باشد که از ادبیات می‌شناسیم و خود را با سنت ادبیات برآمده از دوران چاپ وفق دهد. بولتر^۱ معتقد است؛ این ادعا که عصر پایان چاپ رسیده است، نادرست است و رسانه‌های دیجیتالی، تنها ظرفیت‌های تازه‌ای برای درک بهتر انتقادی از متون در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند (Bolter:2000,27).

کاترین هیلز^۲، با تأکید بر توجه جدی به جنبه‌های مادی ادبیات الکترونیکی، دانش ضمنی بدست آمده از «پانصد سال ادبیات چاپ» را پایه‌ای مناسب برای دوران جدید می‌داند. دغدغه اصلی او این است که با مطرح کردن سؤالاتی در مورد ماهیت ادبیات در عصر دیجیتال، زمینه‌ای را فراهم آورد که در آن مقوله ادبیات، به‌شکلی گسترش یابد که بتواند تغییرات پیش‌رو را، آنچنان پوشش دهد که ادبیات را حفظ کند. او درحقیقت به سمت دامنه‌ای از اصول متعالیه که خود آن را «ادبیات مناسب»^۳ می‌خواند، پیش می‌رود تا هم اتفاقات ادبی جدید و اساساً متفاوت را تحلیل کند و هم از قوانین حاکم بر سلیقه و تجزیه و تحلیل تاریخی ادبیات دفاع کند. در برابر این نظریه‌پردازان، پساساختارگرایان و بخصوص دریدا^۴ قرار دارند. دریدا، نه تنها تقسیم‌بندی «ادبیات نامناسب» و «ادبیات مناسب» را به رسمیت نمی‌شناسد؛ حتی موجودیت مفهومی قطعی به نام ادبیات را هم قبول ندارد (Godwin:2017,21-35). به همین دلیل، دریدا، هر تلاشی برای تبدیل کردن ادبیات به «نهاد» را رد می‌کند و معتقد است؛ دست‌اندرکاران رسمی ادبیات و نظریه‌پردازان ادبی، با وضع قوانین ژانر، در صدد نهادسازی هستند تا دست کسی به ادبیات نرسد؛ چرا که «به‌محض این که ژانر خود را اعلام کرد، باید یک هنجار را رعایت و از یک خط علامت‌گذاری شده عبور کرد.» (همان، ۴۷). به همین دلیل، از منظر پساساختارگرایان، همیشه باید نگران بود که آزادی عمل و حضور هرکسی که حرفی برای گفتن دارد، با

1. Bolter, Jay
2. Katherin.N Hales
3. Literature Proper
4. Jacques Derrida

قواعدی نظیر قوانین ژانر در ادبیات چاپی تهدید شود. به هر حال، چه پساساختارگرایان بیسندند و چه نپسندند، ژانرها به وجود می‌آیند و با حمایت فناوری‌های ارتباطی، در فعالیت‌های ارتباطی اجتماعی پدیدار خواهند شد. ارائه ژانرهای جدید عمدتاً از راه‌های نوآورانه انجام می‌شود، ولی آیا این بدان معناست که هر بار ژانر جدیدی به وجود می‌آید، همه تعاریف قبلی را باید دورانداخت؟! ژانرهای جدید، اغلب مشابه دیگر ژانرهای گذشته است که به خاطر نیازهای جدید، به روز شده‌اند. اگر بپذیریم که یک فعالیت گفت‌وگویی با ویژگی‌های تعاملی و کاربردی جدید، نیازی است که فضای فناورانه و اجتماعی به وجود آورده است، به ژانری هم نیاز داریم که مشارکت را ترویج و پشتیبانی کند و «شعر دیجیتال» می‌تواند این ویژگی‌ها را در خود داشته باشد.

یکی از ژانرهای رایج شعر دیجیتالی، شعر تمام‌نگار^۲ است که در آن شعر، به صورت غیرخطی و در فضای سه‌بعدی ایجاد می‌شود و خواننده یا بیننده حتی می‌تواند این فضا را تغییر دهد، به آن معنای جدید بخشد و دستکاری کند. خواننده دیگر، نه در برابر یک صفحه دو بعدی کاغذ، بلکه در فضایی مانند یک «کابین خلبان» قرار دارد. «رسانه‌های جدید، کلمات را به واسطه‌ها و ابزارهای کلمه تبدیل می‌کنند. کلمات، تعاملی می‌شوند؛ یعنی به رابط بین کاربر و کامپیوتر یا دستگاهی دیگر بدل می‌شوند و از این منظر، با کلمات موجود در یک نسخه خطی یا تایپ شده روی یک ماشین تحریر، قابل مقایسه نیست. موجودیت متون آنالوگ مبتنی بر چاپ ... به دو بعد محدود است. با نمایش متون دیجیتالی بر روی صفحه نمایش، با ساختار بسیار پیچیده‌تری روبه‌رو می‌شویم که به هیچ وجه، محدود به متنی در اشکال دو بعدی؛ مانند مربع و مستطیل نیست.» (2014:351-352) (Strehove, 352)

سؤال دیگری که در این میان مطرح می‌شود؛ این است که آیا دیجیتالی شدن، می‌تواند در حوزه‌های تولید و توزیع شعر هم تغییرات ماهوی ایجاد کند؟ متن‌های دیجیتال، ذاتی بازیگوش و پویا دارند که قدرت انتخاب مخاطبان را تا حدی بی‌سابقه بالا می‌برد. به این ترتیب، آیا باید انتظار داشت که از نقش و اقتدار مؤلف روز به روز کاسته شود و مؤلف، دیگر در تولید اثر نقشی نداشته باشد یا نقشی کم‌رنگ‌تر از گذشته بازی کند؟ بارت^۳، معتقد بود که هر متنی، یک بافت تشکیل شده از حکایت‌هایی است که از کانون‌های فرهنگی بی‌شمار اخذ شده است. او در مقاله مشهور «مرگ مؤلف»، معنای لاهوتی متن را زیر سؤال برد و مؤلف را از جایگاه خداگونه‌ای که داشت، به زیر

-
1. Digital Poetry
 2. Holopoetry
 3. Roland Barthes

کشید. پساساختارگرایان، شادمان از روند پویایی روزافزون متن در فضای دیجیتال، مرگ مؤلف را خیلی زود جشن گرفته‌اند؛ اما همچنان بسیاری از نظریه‌پردازان، صحنه واقعی تولید و مشارکت در متن را چنین رصد می‌کنند که نقطه آغاز هر متنی – هرچقدر هم پویا – با مؤلف است و مخاطب، همچنان در مسیری پیش می‌رود که مؤلف در برابرش قرار داده است.

در این میان، باید به یک نکته نیز توجه داشت: «فرهنگ هم‌گرایی معاصر، بر پررنگ شدن نقشی تأکید دارد که نویسندگان مدّت‌هاست در سخت‌افزارهای فرهنگی بازی می‌کنند؛ آن نقش، تبدیل شدن آنان به یک برند است. نام مؤلفی که به‌عنوان یک برند عمل می‌کند، چیز جدیدی نیست، اما در فرهنگ معاصر، توانایی نویسنده برای تبدیل شدن به یک برند و حفظ شیوه‌های داستان‌پردازی چندرسانه‌ای و مصرف فرهنگی رسانه‌ای، در یک قاب منحصر به فرد و مداوم از همیشه مهمتر است.» (Cornis-Pope: 2014, 335-338).

امروزه نویسندگان و ناشران، به‌صورت مدام در حال رصد کردن رسانه‌های اجتماعی، هشتک‌ها و عبارات محبوب در جست‌وجوهای اینترنتی هستند تا از این مسیر، برند خود را ارتقا بخشند و به کاربران برای اشتراک‌گذاری آثارشان خط دهند و از طرف دیگر، درک کنند سلیقه ادبی مخاطبان به چه چیزهایی گرایش دارد یا ندارد. در نتیجه، شاید ادبیات دیجیتال، نقش مؤلف را به‌طور کامل از بین نبرده باشد. همچنین فضای مجازی، به‌دلیل ماهیت تعاملی، اهمیت دوچندانی به نقش مخاطب داده است، اما آیا هر واکنشی چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی، تعامل است؟ آرانه‌ها و بوربورما^۱ میان دو مفهوم تعامل^۲ و واکنش^۳ تفاوت قائل شده‌اند. به نظر آنان سیستم تعاملی، با نوعی خودمختاری همراه است و به مخاطب اجازه می‌دهد از میان گزینه‌های پیش‌رویش، انتخاب کند در حالی‌که مخاطب در سیستم واکنشی تنها با یک طیف انتخابی از پیش تعیین شده، روبه‌روست. از این منظر، تعامل، پاسخی خلاقانه و بدون برنامه‌ریزی است، ولی واکنش تنها یک نوع محدود از تعامل است. از نظر آنان، ما با دو شکل از تعامل روبه‌رو هستیم: تعامل متقابل و تعامل واکنشی. تعامل متقابل، یک سیستم باز است که رابطه بین عوامل تعامل‌کننده، از طریق گفت‌وگو شکل می‌گیرد؛ اما تعامل واکنشی، سیستمی بسته است که در آن همه چیز از پیش تعیین شده و مبتنی بر رابطه «محرک – پاسخ» است (Arahana & Borborema, 2016:48).

1. & Borborema O R Arahana, Simone D
2. Interaction
3. Reaction

این دو نویسنده در ادامه سعی کرده‌اند؛ درجه‌بندی‌های درون مفهومی برای تعامل ارائه کنند و آن را در چهار سطح متمایز و بر اساس میزان تعامل با خواننده فعال، این ژانر شعری را در چهار درجه‌بندی تقسیم‌بندی کنند. در درجه پایین (درجه تعاملی یک)، خواننده منفعل است و تنها قادر است، تعامل ذهنی با شعر برقرار کند. در درجه متوسط (درجه تعاملی دو)، مشارکت اندکی فعال‌تر است و مخاطب می‌تواند از راه دستکاری ماوس (موشواره)، ارتباط برقرار کند و در سطح بالاتر (درجه تعاملی سه)، سطح این ارتباط بالاتر می‌رود؛ به‌گونه‌ای که در سطح نهایی (درجه تعاملی ۴)، امکان دخالت خواننده در ساخت معنا و محتوای متن، دستکاری کلمات، سازماندهی ایده‌ها و عمل به عنوان همکار در سرودن شعر وجود دارد (همان، ۵۷ - ۶۲)

متون دیجیتال، پایدار، تکرارپذیر، مقیاس‌پذیر و قابل جست‌وجو هستند. امکانات ساده و فراوانی برای اشتراک‌گذاری دارند و امکان بایگانی شدن زیاد، بدون نیاز به اشغال فضا دارند و درمقابل، متون چاپی، خطی، همگن، دارای محدودیت مواد اولیه (کاغذ، جوهر و ...) و نیازمند فضای زیاد برای بایگانی هستند. به‌همین دلیل، یک نظر این است که فضای مجازی باعث خواهد شد در آینده، رسانه‌های مکتوب و کاغذی بخصوص کتاب، رسانه اصلی انتشار آثار ادبی؛ از جمله شعر نباشند تا پیش از این، شاعران برای انتشار مجموعه شعرهای خود ناچار بودند به ناشران و صنعت نشر وابسته باشند. در نتیجه، ویراستاران و گزینشگران صنعت نشر، با معیارهایی که برای خود در نظر گرفته بودند، حکم به چاپ یا عدم چاپ آثار شاعران می‌دادند و حتی پس از چاپ نیز برای توزیع، تبلیغات و انتشار مجدد آثار، دست به رتبه‌بندی میان کتاب‌های منتشر شده می‌زدند؛ ضمن این که بخش عمده‌ای از درآمد کتاب، نصیب ناشر می‌شد. این روند، در حال تغییر کردن است؛ چرا که امروز به‌واسطه اینترنت، مؤلفان امکان یافته‌اند، خود کتاب‌هایشان را منتشر کنند. پدیده «خودانتشاری»^۱ از جمله تازه‌ترین دست‌آوردهای نشر اینترنتی است که ناشران سنتی را به شدت تهدید می‌کند؛ به‌خصوص این که سایت‌های مهم خرده‌فروشی مبتنی بر اینترنت؛ مانند آمازون،^۲ از این پدیده حمایت می‌کنند و ترجیحشان این است که بجای بنگاه‌های نشر، با خود نویسنده طرف قرارداد باشند و حتی امکانات نرم‌افزاری برای تولید کتاب؛ از جمله نرم‌افزارهای صفحه‌آرایی و طراحی جلد را هم در اختیار نویسندگان قرار می‌دهند و سیستمی برای واریز مستقیم سهم نویسنده از فروش یا مطالعه کتاب، طراحی کرده‌اند (Hviid:2017,12). به این ترتیب، فناوری جدید، باعث

1. self-publishing

2. Amazon

تزلزل بنیادهای نظام کنونی هنری و ادبی می‌شود و دیگر سلیقه این نظام، تعیین کننده انتشار یا عدم انتشار شعرها نخواهد بود.

همچنین، خاصیت غیرمتمرکز فضای مجازی، این امید را ایجاد کرده است که دست حکومت‌ها و نهادهای ایدئولوژیک، از سانسور و حذف دیدگاه‌های مخالفان خود کوتاه شود. تصویری از فضایی دموکراتیک که در آن، همه بتوانند آثارشان را عرضه و مردم از میان آن‌ها انتخاب کنند، تصویری ایده‌آل از فضای وب است که البته مخالفان زیادی هم دارد.

دلوزی،^۱ برخلاف دیدگاه غالب که ارتباطات افقی را باعث گسترده شدن شبکه ارتباطی مردم و از کار افتادن توانایی محدودسازی حاکمان می‌داند، بر این اعتقاد است که اتفاقاً ارتباطات به‌ظاهر افقی و شبکه‌ای، ابزار جدید کنترل مردم است و البته این کنترل، دیگر با محصور و محدود کردن مردم صورت نمی‌گیرد و برخلاف گذشته که افراد در چنبره مؤسسات ساختاری سلسله‌مراتبی (مدرسه، دیوان‌سالاری اداری و ...) محصور بودند، جامعه نظارتی، در شبکه‌هایی سامان می‌گیرد که «سود سهام» (از طریق مشارکت و آموزش دائمی)، آن‌ها را به هم وصل و دیدگاه‌هایشان را بدون اعمال فشار تعدیل می‌کند (Deleuze, 1992:6).

یکی از نگرانی‌های عمده نویسندگان در دوران فراگیری شتابناک فضای مجازی، در خطر افتادن حقوق معنوی آنان است. به‌نظر می‌رسد، با گسترده شدن امکان بازنشر و توزیع محتوا، نظام مالکیت فکری، که خود پاسخی به ظهور جامعه مصرف و گسترش چاپ بود و به‌تبع آن، نظام حقوقی حمایتگر که از قرن هجدهم به‌وجود آمد (برک و بریگز: ۱۳۹۱، ۸۱)، توانایی پاسخ به وضعیت فعلی را از دست داده است و امروز بسیاری از مؤلفان و ناشران به ناتوانی قانون حق‌نشر در حراست از حقوق مادی و معنوی برآمده از تولید اثر ادبی خلاقه اعتراض دارند. بحث درباره پدیده سرقت ادبی و مرز آن با بینامتنیت،^۲ در میان شاعران و نویسندگان، یک موضوع و بحث درازدامنه و تاریخی است؛ اما خارج شدن شعر از حیطه سلطه‌ی گروه‌نخبگان، به این معناست که این موضوع نیز از یک بحث ادبی و کلامی، به یک موضوع فراگیر اجتماعی و حقوقی تبدیل خواهد شد؛ چرا که هر شخصی می‌تواند، اثری را که شخصی دیگر آفریده است، کپی کند و با تغییراتی اندک (و گاه حتی بدون تغییر) به نام خود در فضای مجازی منتشر کند یا این که اشعاری سست و مجعول را به شاعران بنام نسبت داده، در اینترنت منتشر کند و به شأن هنری آنان

1. Deleuze Gilles
2. Intertextuality

لطمه بزند. از سویی، صنایع و تولیداتی که با محوریت کی‌رایت، امکان تولید و عرضه اقتصادی دارند، به‌شدت از آینده در هراسند؛ چرا که از هم‌اکنون، حق نشر به‌واسطه فناوری رایانش ابری، به شکلی اساسی زیر سؤال رفته است. رایانش ابری، با تغییر کلی معماری اینترنت، از تعیین کننده بودن کدها و پروتکل‌های شبکه، به سمت رابط کاربری، همه داده‌های ذخیره شده از طریق رابط را قابل دسترس خواهد کرد. اپراتورهای ابری، تمام اطلاعات ذخیره شده در ابر را صرفاً محتوا در نظر می‌گیرند و کاربران، تنها می‌توانند با روشی که توسط رابط کاربری تعیین شده است، با آن تعامل برقرار کنند؛ خواه محتوا تحت شمول حق نشر باشد و خواه نباشد. به‌همین دلیل، رایانش ابری قادر خواهد بود بسیاری از مفاد نظام کی‌رایت را دور بزند و آن را از کار بیندازد. به‌همین دلیل، در آینده احتمالاً باید بسیار بیشتر از امروز با پدیده‌هایی چون انتشار شعرهای شاعران به اسم افراد دیگر و شعرهای جعلی روبه‌رو خواهیم بود.

از سوی دیگر، گستره فراملی و فرامرزی فضای مجازی، باعث شده است، جهانی شدن به‌عنوان یک «آبروند» مطرح شود که همه نهادهای اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و روند انتقال اطلاعات فرهنگی در دنیای امروز را شتاب بخشیده و آن را در گستره‌ای غیرقابل قیاس با پیش، گسترش دهد. در مورد رسانه‌های نوین، یک نظر بر آن است که مخاطبان رسانه‌ها، در اثر این روند بزرگ فرهنگی و اجتماعی، هویت‌های محلی و فرهنگی خود را از دست خواهند داد و مرز میان فرهنگ عالی و فرهنگ عامیانه نیز از بین می‌رود (گل‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

در برابر این رویکرد، دیدگاه دیگری وجود دارد که اتفاقاً معتقد است؛ به‌دلیل ماهیت غیرمرکزی نظام اندیشه و به‌تبع آن، فناوری ارتباطی امروزین، شاهد ترک برداشتن مفهوم متصلب و غیرسیال هویت هستیم. استوارت هال آبر همین مبنا معتقد است: «همه اموری که معنای جامعیت، کل‌گرایی، هم‌رنگی و هم‌ریشه بودن داشته است، در معرض فروپاشی‌اند.» (Hall, 1991: 42). رابرتسون،^۴ در برابر جهانی شدن (به‌معنای همگن‌سازی)، دیدگاه «جهان محلی شدن» را پیشنهاد می‌دهد. وی معتقد است؛ مسأله اصلی، دوگانه همگون‌سازی در برابر ناهمگون‌سازی جهانی نیست؛ بلکه مسأله، شناخت راه‌هایی است که از طریق آن‌ها، هر دو روند به ویژگی‌های حیات‌بخش پایان قرن بیستم بدل شوند (رابرتسون: ۱۳۸۳، ۲۲۶). در این دیدگاه، فرهنگ‌های محلی هم ویژگی‌ها و امتیازات

-
1. Cloud Computing
 2. Mega Trend
 3. Stuart Hall
 4. Roland Robertson

مثبت فرهنگ‌های دیگر را اخذ و فرهنگ خود را بازسازی می‌کنند و هم امکان عرضه تولیدات و شاخصه‌های فرهنگی خود را به جهانیان پیدا می‌کنند و فرهنگی فراسرزمینی ایجاد می‌شود که هم رنگ و بوی فرهنگ بومی را دارد و هم از شاخصه‌های فرهنگ‌های دیگر بهره‌مند است. اگر به دیدگاه «جهان محلی شدن»، در برابر جهانی شدن صرف اعتقاد داشته باشیم، آیا می‌توان گفت؛ فضای مجازی امکانی برای مطرح شدن شعر فارسی در گستره جهانی پیش روی ما قرار خواهد داد و قادر است، شعر فارسی را از درون‌گرایی و محدود ماندن در درون مرزهای سرزمین‌های فارسی‌زبان به سمت برون‌گرایی و جهانی شدن سوق دهد؟

۳- ادبیات تحقیق

در منابع فارسی، توجه به موضوع مورد بررسی این پژوهش، چندان زیاد نیست؛ اما به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابعی که باید از آن نام برد، یک مقاله از شفيعی کدکني به نام «پژوهش: راه‌های انتشار یک شعر در قدیم» که در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است، به نقش رسانه‌های ارتباطی مختلف؛ مانند شعرخوانی‌های شفاهی در مجالس، معابر، بازارها، موسیقی، مجالس وعظ و منبر، زورخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و نیز قصه‌گویی، خوشنویسی، دیوان‌نوشته‌ها و صنایع دستی در گسترش شعر در دوران مختلف اشاره کرده است. نکته قابل توجه در این مقاله، توجه نویسنده به معنا و مفهوم رسانه است که همه اشکال رسانه‌های میان‌فردی را شامل می‌شود. این مقاله، اگرچه برای اولین بار به موضوع تأثیر رسانه‌های شفاهی در شعر فارسی توجه کرده است، اما اولاً محدود به شعر کلاسیک است و دوم؛ در موارد زیادی با خلاصه‌گویی از بسیاری از مباحثی که مطرح کرده، گذشته است.

همچنین شوهانی و حسینی در مقاله‌ی «بررسی وجوه تأثیر فضای مجازی بر زبان و ادبیات فارسی» که در سال ۱۳۹۷ در نشریه زبان و ادبیات فارسی منتشر شده است، به موضوع تأثیرگذاری فضای مجازی بر حوزه‌های مختلف زبان و ادبیات فارسی؛ از جمله شعر معاصر پرداخته‌اند و مواردی چون «بروز و ظهور صداها، خاموش، شعر چندصدایی، پیدایش و گسترش شعر دیجیتال، افزایش شعرهای مناسبی و افزایش شمار پارودی» را از تأثیرات فضای مجازی بر شعر معاصر برشمرده‌اند؛ اما این مقاله، هم از نظر نظری و هم از نظر روش‌شناسی دارای ایراد است. نخست این که نویسندگان مشخص نکرده‌اند، بر چه اساس مواردی مانند گسترش شعر چندصدایی یا پارودی و طنز را که در دوره‌ی پیش از رواج فضای مجازی نیز در شعر دیده می‌شد، در ذیل تأثیرات اینترنت بر شعر

قرار داده‌اند. آنان در تعریف‌های نظری هم دچار اشتباهاتی شده‌اند. برای مثال؛ شعر دیجیتال و شعر کانکریت (تجسمی)، را معادل هم فرض کرده و بر این اساس، به این نتیجه رسیده‌اند که فضای مجازی، باعث گسترش شعر دیجیتال در ایران شده است. ارجاعات این مقاله نیز به چند یادداشت اینترنتی محدود می‌شود و از این نظر نیز مقاله دچار ایراد است.

در میان آثار و نوشته‌های فرنگی، دست محقق بازتر است. موضوع تأثیرگذاری دیجیتال‌یسم و فضای مجازی بر ماهیت و شکل انواع ادبی در میان پژوهش‌های اخیر خارجی، مورد توجه بوده است. از این میان، می‌توان به پایان‌نامه جینین ناجی با عنوان «ماشین‌های شاعرانه: بررسی تأثیر ویژگی‌های دستگاه دیجیتال بر بیان شاعرانه» اشاره کرد که در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه دوبلین دفاع شده است و موضوع دیجیتال‌یسم در ادبیات، به خصوص شعر را از تلاش‌های نخستین تا موقعیت امروزمین آن بررسی کرده است و بر تأثیرگذاری برنامه‌نویسی رایانه‌ای بر شعر دیجیتالی و درآمیختگی این دو حوزه بر یکدیگر انگشت گذاشته است.

از دیگر پژوهش‌ها در این موضوع، باید از مقاله سیمئونه آران‌ها و اولیویا رودریگز بوربوما (۲۰۱۶)، با عنوان «تعامل در شعر دیجیتالی: واژه، تصویر و صدا در حرکت» اشاره کرد که نه تنها تطورات شعر دیجیتال را بررسی کرده‌اند، بلکه تأثیرات آن را بر حوزه‌ی زبان و نیز تعامل میان مؤلف و مخاطب را به خوبی بررسی کرده‌اند؛ اما جامع‌ترین اثری که در این حوزه مشاهده و بررسی کردیم، مجموعه‌ای از مقالات است که کورنیس پاپ (۲۰۱۴)، آن را تحت‌عنوان «ادبیات دورگه جدید در عصر بیان چندرسانه‌ای»، جمع‌آوری و تقریباً همه مباحث مربوط به دیجیتال‌یسم ادبی را بررسی کرده است.

در مورد آثار خارجی، نکته اینجاست که موضوع تأثیرگذاری رسانه؛ از جمله رسانه‌های جدید و فضای مجازی بر شعر، با تکیه بر ویژگی‌های فرمی و مضمونی شعر اروپا و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است که در اکثر موارد، قابلیت تعمیم به شعر فارسی با ویژگی‌های خاص خود را ندارد و تجربه تاریخی نشان داده است، برای وارد شدن تجربه‌های فرمی شعر فرنگی در شعر فارسی، تقلید صرف و گرت‌برداری از آن تجربیات، بدون هماهنگ شدن با فضای کلی شعر فارسی در حد تجربه‌هایی حاشیه‌ای و جریان‌هایی فرعی باقی خواهد ماند.

۴- روش تحقیق

آینده‌پژوهی، به روش‌های مختلف کمی و کیفی صورت می‌گیرد و یکی از کاربردی‌ترین و معمول‌ترین روش‌های آن، روش دلفی است. مطالعه دلفی، به این دلیل که یک مطالعه مبتنی بر یک روند تکراری است و در آن شرکت‌کنندگان، در روند کار گروهی با متخصصان ناشناس‌اند، باعث می‌شود پژوهشگر بتواند ایده‌های کارشناسان را بدون سوگیری ایجاد غلبه تفکر گروه‌گرایانه، با ایجاد پانل دانش خبرگان استخراج کند. روش دلفی، روش مناسبی برای این پژوهش تشخیص داده شد؛ ما از این پژوهش دو هدف داشتیم:

۱- تولید نظریه و دانش: در حوزه بررسی تأثیر رسانه بر شعر، و به‌طور کلی در مطالعات بینارشته‌ای ارتباطات و ادبیات، با فقر نظریه‌ها و مدل‌های بومی مواجهیم. این نظریات، باید همان‌قدر که بر دانش جهانی ما در حوزه ارتباطات و ادبیات استوار است، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و روندهای تاریخی فرهنگ ایرانی را نیز پوشش دهد. به‌همین منظور، باید از گنجینه دانشی خبرگانی که در این حوزه، دارای مطالعه و تجربه‌اند، استفاده کرد و با مطرح کردن پرسش‌های جدید، خبرگان را به تفکر و نظریه‌پردازی در این حوزه وارد کرد و از مجموع ایده‌های آنان، به فهمی مشترک و اجماعی درباره موضوع پژوهش رسید. این هدف، در روش دلفی به‌خوبی محقق می‌شود.

۲- نگرشی آینده‌نگر مبتنی بر دیدگاه اکتشافی: هدف اصلی ما این است که تصویری از آینده محتمل در حوزه مورد نظر ارائه دهیم. به‌همین دلیل، این رویکرد ما اکتشافی است. از طرفی دیگر، قصد این پژوهش، رسیدن به پیش‌بینی‌های مبتنی بر ارقام، برای برنامه‌ریزی‌های کاربردی و تغییر روندهای پیشین و ایجاد گسست‌های مطلوب برای رسیدن به تصویر آرمانی از آینده نیست. به همین دلیل، روشی کمی را انتخاب نکرده‌ایم؛ بلکه با انتخاب روش دلفی که بر رویکردی کیفی استوار است، به جای تعمیم‌پذیری، در اندیشه بررسی عمیق موضوع بوده‌ایم.

۵- جامعه و نمونه

برای تشکیل گروه خبرگان در پژوهش دلفی، از روش مطالعه زندگی‌نامه‌ای استفاده شد. همچنین برخی آثار و نوشته‌های استادان در این حوزه مطالعه شد و روش اسنادی نیز مورد استفاده قرار گرفت. از آنجایی که این پژوهش، دارای ماهیتی میان‌رشته‌ای بین

1. Delphi method
2. Group Think

ادبیات و ارتباطات بود، سعی بر این شد که استادانی از هر دو رشته در گروه خبرگان حضور داشته باشند. برای استادانی که دارای تخصص ارتباطات، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی بودند، معیار دیگری نیز یعنی آشنایی با ادبیات و به‌خصوص شعر قرار داده شد. بر این اساس، از استادان ارتباطاتی که در رزومه آنان، فعالیت‌های مرتبط با ادبیات؛ مانند ترجمه و تألیف کتاب یا مقاله با موضوعات ادبی، جامعه‌شناسی ادبیات یا راهنمایی پایان‌نامه‌هایی با این رویکرد، وجود داشت، برای عضویت در گروه خبرگان دعوت شد. برای انتخاب اعضای گروه خبرگان که در حوزه ادبیات صاحب‌نظر بودند، دو معیار قرار داده شد. نخست آن که این افراد خود شاعر باشند و در فضای مجازی فعال باشند تا به این ترتیب، علاوه بر دانش ادبی، از تجربه شخصی نیز در این حوزه برخوردار باشند. معیار دوم این بود که برای این گروه خبرگان با روش‌های تحقیق و مراحل پژوهش آکادمیک آشنایی داشته باشند و ادبیات جاری در پژوهش، برآمده از دانش در کنار تجربه باشد؛ شاعرانی برای عضویت در گروه خبرگان دعوت شدند که دارای تحصیلات دانشگاهی در مقطع دکتری باشند. در نهایت، هجده نفر برای مشارکت در پژوهش برگزیده شدند.

۶-روایی و پایایی

روایی و پایایی، از ملاک‌های اصلی کیفیت پژوهش‌های کمی‌اند؛ اما در پژوهش‌های کیفی برای تضمین کیفیت پژوهش، معیار اصلی، قابلیت اطمینان است که با معیارهایی؛ چون اعتبار^۲، انتقال‌پذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴ و تأییدپذیری^۵ مشخص می‌شود (گاب و لینکلن (۱۹۹۴) (به نقل از عباس زاده: ۱۳۹۱، ۲۳ تا ۲۶)).

برای تأمین اعتبار، در مراحل مختلف اجرای پژوهش؛ از جمله در طراحی پرسش‌نامه مرحله دوم دلفی، پرسش‌نامه با گروهی پنج نفره از دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و ارتباطات که در میان آنان دو شاعر و سه فعال رسانه‌ای حضور داشتند، به بحث گذاشته شد. همچنین از آن‌ها خواسته شد که به پرسش‌نامه پاسخ گویند و تحلیل خود را از روایی پرسش‌نامه بیان کنند. این گروه، در جریان مراحل مختلف پژوهش قرار گرفتند و دیدگاه خود را درباره اجرای درست این مراحل بیان کردند.

-
1. Trustworthiness
 2. Credibility
 3. Transferability
 4. Consistency
 5. Confirmability

همچنین در مراحل مختلف اجرای روش دلفی، در خصوص نتایج و فرآیندهای پژوهش، با مشارکت‌کنندگان بحث شد و آنان در خصوص پرسش‌ها، نتایج و شیوه اجرای پژوهش، دیدگاه‌های خود را به پژوهشگر ارائه می‌دادند.

برای تسهیل فرآیند انتقال‌پذیری که بر قابلیت بسط دادن فرضیه کاری پژوهشگر استوار است، باید توصیفی روشن از بستر، نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان و فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در پژوهش ارائه شود که سعی شده است، این مراحل در بخش‌های مختلف مقاله؛ از جمله بیان شیوهی انتخاب جامعه نمونه و مراحل انجام تحقیق، شرح داده شود. برای تأمین اطمینان‌پذیری که بر اساس آن، پژوهش باید قابل حسابرسی باشد، پاسخ‌های ارائه شده از سوی مشارکت‌کنندگان، به همراه متن پیاده شده مصاحبه‌ها و نیز پاسخ‌ها، به پرسش‌نامه‌های روش دلفی ثبت شده است و قابلیت پیگیری و بازبینی دارد. همچنین برای تأییدپذیری نیز ثبت فعالیت‌ها به صورت قابل پیگیری نیاز است. برای تأمین این معیار، شرح کامل روش اجرایی مراحل مختلف پژوهش در مقاله آمده است.

۷- مراحل انجام تحقیق

در مرحله نخست پژوهش دلفی، با تمام اعضای گروه خبرگان، مصاحبه عمیق صورت گرفت. تعداد اندکی از این مصاحبه‌ها، به صورت مکتوب و از طریق پست الکترونیکی انجام شد و بیشتر مصاحبه‌ها، به صورت حضوری صورت گرفت که حاصل آن حدود ۵۰۰ دقیقه مصاحبه بود. از صحبت‌ها و ایده‌های مطرح شده در این مصاحبه‌ها، حدود ۲۰۰ گزاره استخراج شد که تعداد زیادی از آن‌ها همپوشانی داشتند و از میان آن‌ها، ۲۶ گزاره به عنوان گزاره‌هایی که بیشترین دیدگاه‌های گروه خبرگان را پوشش می‌داد، انتخاب و پرسش‌نامه بسته‌ای با مقیاس لیکرت، بر اساس آن‌ها طراحی شد. پرسش‌نامه مرحله دوم، برای گروه خبرگان ارسال و پس از اخذ دیدگاه‌ها، نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS بررسی و تحلیل شد. در مرحله بعد، برای اجرای دور سوم دلفی، پرسش‌نامه با مشخص شدن نمرات کارشناسان و نیز بیشترین نمره داده شده به هر پرسش، برای مقایسه تفاوت دیدگاه‌های گروه خبرگان با یکدیگر، طراحی و برای اعضای گروه خبرگان ارسال شد. پس از بازگشت پرسش‌نامه‌ها، دوباره نتایج، بررسی و تحلیل شد و با توجه به این که میزان تغییرات در دیدگاه‌های خبرگان اندک بود و بیشتر کارشناسان بر نظرات خود پافشاری می‌کردند، کفایت دورهای دلفی تشخیص داده شد.

در تجزیه و تحلیل دوره‌های مختلف دلفی نیز از نرم‌افزار SPSS استفاده و با کمک آماره‌ها، میزان توافق در دوره‌های مختلف بررسی شد. از آنجایی که پژوهش به روش

کیفی صورت گرفت، آماره‌های مد، نما و میانگین، در تحلیل پژوهش دلفی مورد استفاده قرار گرفت. پس از انجام مرحله سوم دلفی، داده‌های بدست آمده از مقیاس لیکرت، برای تحلیل ساده‌تر نتایج، در مقیاس سه عددی تجمیع شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، آماره‌های بدست آمده برای هر پرسش محاسبه شد.

۸- نتایج تحقیق

با استفاده از آمار میانگین و با محاسبه قدر مطلق میانگین بدست آمده برای پرسش‌ها، نتایج را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرده‌ایم: توافق زیاد (قدرمطلق میانگین بین ۳ تا ۵)، توافق متوسط (قدرمطلق میانگین بین ۱ تا ۳)، توافق ضعیف (قدرمطلق میانگین بین صفر تا ۱) و بدون توافق (میانگین صفر). همچنین در مواردی که مقدار میانگین، منفی بوده است؛ یعنی پاسخ‌های مخالف بیشتر بوده است، سؤال را به شکل مخالف آنچه در پرسش‌نامه مطرح شده است، برگردانده‌ایم. تقسیم‌بندی پاسخ‌های بدست آمده از روش دلفی و بر اساس میزان موافقت گروه خبرگان، در جداول زیر آمده است:

جدول ۱: نتایج بدست آمده از روش دلفی، درباره آینده‌پژوهی تأثیر فضای مجازی بر شعر ایران

الف: توافق زیاد

ردیف	پرسش	میانگین	مد	میانه	نظرات موافق (به درصد)	بدون نظر (به درصد)	نظرات مخالف (به درصد)
۱	گسترش فناوری‌های ارتباطی باعث بی‌اثر شدن سانسور خواهد شد	۴/۴۴	۵	۵	۹۴/۴	۰	۵/۶
۲	افزایش سرعت سرودن و انتشار، باعث تنزل کیفیت شعر از نظر فرم خواهد شد	۳/۸۹	۵	۵	۸۸/۹	۰	۱۱/۱
۳	ترجیحات و سلیقه مخاطب، جهت‌گیری شاعر را در سرودن تعیین خواهد کرد	۳/۸۹	۵	۵	۸۸/۹	۰	۱۱/۱
۴	شاعران و منتقدان حرفه‌ای، با ایجاد رسانه‌های تخصصی در فضای مجازی، می‌توانند سلیقه ادبی جامعه را اصلاح کنند.	۳/۶۱	۵	۵	۸۳/۳	۵/۶	۱۱/۱
۵	رسانه کتاب، مرجعیت ادبی خود را از دست نخواهد داد.	-۳/۶۱	-۵	-۵	۱۱/۱	۵/۶	۸۳/۳
۶	در آینده، شاعران، خودشان انتشار و توزیع شعر را به عهده خواهند داشت.	۳/۳۳	۵	۵	۸۰/۳	۰	۱۹/۷
۷	شاعر همچنان اقتدار خود را به‌عنوان مؤلف حفظ خواهد کرد (این سؤال، از پدیده‌ای می‌پرسد که هنوز محقق نشده و به‌همین دلیل، لاجرم مقداری ابهام دارد. منظور سؤال این بوده که آیا شاهد چندمؤلفی در شعر خواهیم بود یا نه؛ البته چون در مصاحبه‌ها با اعضای گروه نخبگان، در این باره با	۳/۳۳	۵	۵	۷۷/۸	۱۱/۱	۱۱/۱

						آنان بحث شده، این ابهام برای آنان رفع شده است.
۱۶/۷	۰	۸۳/۳	۵	۵	۳/۳۳	تقض حقوق مؤلفان در آینده تشدید خواهد شد.
۱۶/۷	۰	۸۳/۳	۵	۵	۳/۳۳	شعر، همچنان هنری نخبه‌گرا باقی خواهد ماند.
۱۶/۷	۰	۸۳/۳	۵	۵	۳/۳۳	در آینده، تمایز میان مخاطب عامه (که به شعر مثل سرگرمی نگاه می‌کند) و مخاطب خاص (که به شعر نگاه حرفه‌ای دارد)، تشدید خواهد شد.

در خصوص پاسخ پرسش ۵، جهت سؤال در پرسش‌نامه، با پاسخ‌های مورد توافق متفاوت بوده است که در تنظیم گزینه‌های پاسخ‌های مثبت و منفی تغییر جهت داده شده‌اند. جدول ۲: پاسخ‌های با توافق متوسط، براساس نتایج بدست آمده، از روش دلفی درباره آینده‌پژوهی تأثیر فضای مجازی بر شعر ایران

ب: توافق متوسط:

ردیف	پرسش	میانگین	مد	میان	نظرات موافق (به درصد)	بدون نظر (به درصد)	نظرات مخالف (به درصد)
۱	ما، اکنون و آینده حرف برای مطرح کردن در مقیاس جهانی داریم.	-۲/۷۸	-۵	-۵	۲۲/۲	۰	۷۷/۸
۲	شعر، شاخه شاخه و تخصصی می‌شود و مخاطبان هر گرایش در آینده، سراغ همان نوع شعر می‌روند.	۲/۲۲	۵	۵	۶۶/۷	۱۱/۱	۲۲/۲
۳	زبان شعر در آینده، به نثر بسیار شبیه خواهد بود.	۱/۹۴	۵	۵	۶۶/۶	۵/۶	۲۷/۸
۴	مضمون‌های احساسی و رمانتیک، مضمون غالب شعر در آینده نخواهد بود.	-۱/۹۴	-۵	-۵	۲۷/۸	۵/۶	۶۶/۶
۵	سرودن شعر، تحت تأثیر رخدادهای سیاسی و اجتماعی در آینده رواج بیشتری خواهد یافت.	۱/۶۷	۵	۵	۳۳/۳	۰	۶۶/۷
۶	تخیل در شعر، تحت تأثیر فناوری‌های واقعیت مجازی دگرگون خواهد شد.	۱/۳۹	۵	۵	۶۱/۱	۵/۶	۳۳/۳
۷	با گسترش فناوری‌های ارتباطی، جلسات و انجمن‌های ادبی، کارکرد خود را از دست نخواهند داد.	-۱/۳۹	-۵	-۵	۳۳/۳	۵/۶	۶۱/۱

در خصوص پاسخ‌های شماره‌های ۱، ۴ و ۷، جهت سؤال در پرسش‌نامه، با پاسخ‌های مورد توافق متفاوت بوده است که در تنظیم گزینه‌های پاسخ‌های مثبت و منفی تغییر جهت داده شده‌اند.

جدول ۳: پاسخ‌های با توافق اندک، بر اساس نتایج بدست آمده از روش دلفی درباره آینده پژوهی تأثیر فضای مجازی بر شعر ایران

ح: توافق ضعیف:

ردیف	پرسش	میانگین	مد	میانه	نظرات موافق (به درصد)	بدون نظر (به درصد)	نظرات مخالف (به درصد)
۱	در آینده شعر چندرسانه‌ای (صوتی، تصویری و ...) جایگزین شعر نوشتاری نخواهد شد.	-۰/۸۳	-۵	-۵	۳۸/۹	۵/۶	۵۵/۵
۲	در آینده، انتشار تک‌شعر، جایگزین مجموعه شعر نخواهد شد.	-۰/۸۳	-۵	-۵	۳۸/۹	۵/۶	۵۵/۵
۳	نیاز به خواندن و اشتراک‌گذاری سریع باعث می‌شود، شعر در آینده هرچه بیشتر کوتاه شود.	۰/۵۶	۵	۵	۴۴/۴	۰	۵۵/۶
۴	مخاطبان در آینده، نسبت به مخاطبان امروز سواد ادبی بیشتری خواهند داشت.	-۰/۵۶	۵	۲/۵	۵۰	۱۱/۱	۳۸/۹
۵	سانسور، در آینده با به دست گرفتن انحصار و راهبری فناوری اتفاق خواهد افتاد.	۰/۲۸	۵	۰	۴۴/۴	۱۶/۷	۳۸/۹

در خصوص پاسخ‌های شماره‌های ۱ و ۲ جهت سؤال در پرسش‌نامه، با پاسخ‌های مورد توافق، متفاوت بوده است که در تنظیم گزینه‌ها، پاسخ‌های مثبت و منفی تغییر جهت داده شده‌اند.

جدول ۴: پاسخ‌های بدون توافق بر اساس نتایج به دست آمده از روش دلفی درباره آینده پژوهی تأثیر فضای مجازی بر شعر ایران

د: بدون توافق:

ردیف	پرسش	میانگین	مد	میانه	نظرات موافق (به درصد)	بدون نظر (به درصد)	نظرات مخالف (به درصد)
۱	هوشمند شدن روزافزون فضای مجازی، امکان و میزان انتشار شعرهای شاعران به نام دیگران را کمتر خواهد کرد.	۰	۵ و -۵	۰	۵۰	۰	۵۰
۲	ترم‌افزارهای قدرتمند ترجمه و ویرایش، باعث مطرح شدن بیشتر شعر فارسی در جهان خواهد شد	۰	۵ و -۵	۰	۵۰	۰	۵۰

۹- نتیجه‌گیری

از آنجایی که مدل پنج‌گانه لاسول، اساس کار ما در این پژوهش بود؛ براساس همین مدل، آینده مورد انتظار گروه خبرگان در اثر فضای مجازی در هر حوزه، به این صورت قابل تصور است:

حوزه پیام

تصویری که گروه خبرگان از شعر آینده دارند، این است که در حوزه زبان، احتمالاً شعر، هرچه بیشتر از زبان فخیم ادبی دور شده، ساده و به منطقی زبان روزمره و نثر، نزدیک خواهد شد. در خصوص مضمون شعر نیز سرودن شعرهای کوتاه بر اساس رویدادهای سیاسی و اجتماعی روز که قابلیت انتشار و اشتراک‌گذاری سریع دارند، رواج نسبی خواهد داشت و در مجموع، شاهد تنزل کیفی شعر از نظر فرمی خواهیم بود.

منظور از فرم در اینجا، صورت شعر نیست؛ بلکه ما تعریفی از فرم را در نظر داشتیم که به ریخت کلی یک قطعه و نوع کمپوزیسیون عوامل مختلف تشکیل دهنده آن اشاره دارد (رؤیایی: ۱۳۹۱، ۱۲۳). همچنین بر اساس دیدگاه گروه خبرگان، احتمال جایگزین شدن تجربه‌هایی؛ نظیر شعر «تمام نگار» و «شعر دیجیتالی» که در غرب رایج است، در آینده در شعر فارسی اندک است. برخی از اعضای گروه خبرگان در مصاحبه‌های عمقی تأکید می‌کردند که در صورت غالب شدن صوت، تصویر و واقعیت مجازی بر شعر مکتوب، باید آن را در حوزه هنرهای دیجیتالی تعریف کرد و نه شعر.

حوزه‌ی فرستنده (شاعر)

گروه خبرگان معتقدند؛ تصور این که شعر به هنر چندمؤلفی بدل شود، محقق نخواهد شد؛ اما آنان وظیفه‌ای ورای شاعری صرف، برای شاعر تعریف می‌کنند و معتقدند که شاعران در قبال اصلاح آسیب‌های ناشی از فضای مجازی بر شعر، مسئولند و باید در جهت ارتقای سواد ادبی و اصلاح سلیقه ادبی مخاطبان تلاش کنند. به عبارت دیگر؛ گروه خبرگان همچنان به ایفای نقش نخبگانی برای شاعران اعتقاد دارند.

حوزه گیرنده (مخاطب)

گروه خبرگان، به نقش پویاتر و تعاملی‌تر مخاطب اذعان دارند. در آینده، افزایش توان‌گزینش و شخصی‌سازی در اینترنت، این امکان را به مخاطب می‌دهد که بر اساس سلیقه خود، دست به گزینش‌گری بزند و احتمالاً به همین نسبت، شاعران نیز در شاخه‌ها و ژانرهای گوناگون شعری، تخصصی‌تر از گذشته خواهند بود.

همچنین، گروه خبرگان تمایز میان مخاطبان عام و مخاطبان خاص را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر؛ در آینده همچنان رویکرد گروه زیادی از مخاطبان شعر به این هنر، تفننی خواهد بود و چون آن‌ها به واسطه فناوری سطح بالا، امکان گزینش‌گری زیادی نیز دارند، به سراغ شاعرانی خواهند رفت که با همین دیدگاه شعر می‌گویند (و شعرشان سطح کیفی پایین‌تری دارد) و مخاطبانی که به شعر نگاه حرفه‌ای دارند، به‌طور طبیعی به دلیل خصلت نخبگانی خود، نسبت به گروه اول در اقلیت هستند.

حوزه کانال

گروه خبرگان، در این حوزه به همگرایی رسانه‌ها در آینده اعتقاد دارند. برخی از اعضای گروه خبرگان، بیان کردند که اگرچه فضای مجازی، بستر اصلی انتشار عمومی شعر در آینده خواهد بود؛ اما کتاب، همچنان وجهه نمادین و مرجعیت خود را برای مخاطبان خاص شعر از دست نخواهد داد و به همین دلیل، نمی‌توان انتظار داشت که کتاب کاملاً از عرصه خارج شود ولی غالب اعضای گروه خبرگان توافق دارند که شاهد رواج خودانتشاری شعر خواهیم بود. به نظر می‌رسد؛ در رویکرد گروه خبرگان در این حوزه، هم عناصری از رسانه‌های سنتی (مانند کتاب و نیز جلسات شعر) حضور دارند و هم رسانه‌های جدید (مانند انتشار کتاب الکترونیکی، کتاب صوتی و کتاب‌هایی با امکان انتشار و توزیع خارج از چهارچوب فعلی صنعت نشر و نیز انتشار در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، توئیتر و فیس‌بوک و در رسانه‌های اجتماعی همچون تلگرام و واتساپ).

حوزه تأثیرات و بازخوردها

هم‌نوایی میان گروه خبرگان در این امر که گسترش فناوری‌های ارتباطی باعث بی‌اثر شدن سانسور خواهد شد، تنها موردی است که این گروه، نقش فناوری را در آینده شعر مؤثر می‌بینند. دو مورد عدم اتفاق کامل در این پژوهش، در خصوص تأثیر فناوری بر اثرات آینده فضای مجازی بر شعر، مشاهده می‌شود. یکی در خصوص تأثیر هوشمند شدن موتورهای جست‌وجو بر امکان کاهش انتشار شعرهای شاعران به نام افراد و دیگری در خصوص اثرگذاری نرم‌افزارهای ترجمه و ویرایش بر جهانی شدن شعر فارسی. به عبارت دیگر؛ گروه خبرگان، بیش از آن که بر اثرگذاری فناوری بر ادبیات تأکید کنند، بر عاملیت فردی در حوزه ادبیات و هنر تأکید داشته‌اند.

کتابنامه

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما. تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی (۲جلد)*. تهران: انتشارات زوار.
- برک، پیتر و برگیز، ایسا (۱۳۹۱). *تاریخ اجتماعی رسانه‌ها از گوتنبرگ تا اینترنت*. ترجمه حسن نمک‌دوست تهرانی. تهران: همشهری.
- بل، دیوید (۱۳۸۹). *درآمدی بر فرهنگ سایبر*. ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی. تهران: جامعه‌شناسان.
- رابرتسون، رولند (۱۳۸۳). *جهان محلی شدن: زمان - مکان و همگونی - ناهمگونی*. ترجمه مراد فرهادپور. ارغنون. ۱۰(۲۴): ۲۱۱-۲۳۷.
- رؤیایی، یدالله (۱۳۹۱). *هلاک عقل به وقت اندیشیدن*. تهران: نگاه.
- شفاعی بجستان، آرش؛ رسولی، محمدرضا و سلاجقه، پروین (۱۳۹۹). «تأثیر فضای مجازی بر شعر امروز؛ پدیدارشناسی تجربه زیسته شاعران». *جستارهای نوین ادبی*. ۵۷(۲۰۸): ۳۹-۶۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. تهران: سخن.
- _____، _____ (۱۳۸۳). «پژوهش: راه‌های انتشار یک شعر در قدیم». *بخارا*. ۷(۳۶): ۳۵-۶۱.
- _____، _____ (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه، در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*. تهران: سخن.
- شمس لنگرودی، محمد (۱۳۸۷). *تاریخ تحلیلی شعر نو*. چهار جلد. تهران: مرکز.
- شوهانی، علیرضا و حسینی، سارا (۱۳۹۷). بررسی وجوه تأثیر فضای مجازی بر زبان و ادبیات معاصر. *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز*. ۷۱(۲۳۷): ۷۵-۱۰۱.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۳(۴۵): ۱۹-۳۴.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۳). *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.

References

- Abbas Zadeh, M (2012). A reflection on the validity and reliability of qualitative research . *Applied Sociology* . 23(45): 19-35. (in Persian)
- Arahana, Simone Dália de Gusmão & Borborema Olivia Rodrigues (2016). *Interactivity in Digital Poetry: Word, Image and Sound in Movement*. *Textolivre* . 9(2): 46-63.

- Aryianpoor, Y (1993). *From Saba to Nima*. Tehran: Zawwar. (in Persian)
- Bell, David (2001). *An introduction to cybercultures*. New York: Routledge. translated by: Kosari M and Hassani H: Tehran: Jamesnasan. (in Persian)
- Bolter, J. D. (2000). *Writing space: computers, hypertext, and the remediation of print*. Mahwah, N.J.: Lawrence Erlbaum Associates.
- Briggs, A and Burke, P (2010). *A Social History of the Media: From Gutenberg to the Internet*. translated by: Namakdust, H. Tehran: Hamshahri. (in Persian)
- Cornis-Pope, Marcel (Editor) (2014). *New Litrerary Hybrids in The Age of Multimedia Expression*. Amesterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Deleuze, Gilles (1992). Postscript on the Societies of Control. *October*. Vol.59 .pp.3-7.
- Godwin, Mary L. (2017). *Litereature , Progress, And Monstestr: What Is Electronic Literature? A dissertation for the degree of Doctor of Philosophy*. Department of English. USA: West Lafayette, Indiana.
- Golmohammadi ,A (2014). *Globalization; Culture, identity* .Tehran: Nashreney. (in Persian)
- Hall, Stuart (1991). *New Identities and New Ethnicities*. In:” Culture, Golbalization and The old System”. New York: State University of New York. 41-68
- Hviid, Morten & Jacques, Sabine & Izquierdo S, Sofia (2017). From publishers to self-publishing: The disruptive effects of digitalization on the book industry. *Create Working Paper*. 1-55.
- Monks, Philip (2017). *The Importance of the Poetry Book In The Digital Age*. A thesis for the degree of Doctor of Philosophy in Creative Writing at the University of Birmingham.
- Naji, Jeneen B.A and hons M .Sc.(2012). *Poetic Machines: an investigation into the impact of the characteristics of the digital apparatus on poetic expression*. Presented for the award of PhD. School of Communications. Dublin City University
- Nieborg, D B & Poell, T (2018). The platformization of cultural production: Theorizing the contingent cultural commodity. *new media & society*. 20(11): 4275-4291.
- Robertson, R(1995). *Glocalization: Time, Space and Homogeneity-Hetogenity*. In “Global Modernities” ed by M, Featherstone and S,Lashi and Robertson, R, London:Sage.
- Royae, Y(2012). *The death of the intellect while thinking*. Tehran: Morvarid.(in Persian)

- Shafai Bajestan, A; Rasouli, MR and Selajgeh, P (2020). "The Impact of Cyberspace on Today's Poetry; Phenomenology of Poets' Living Experience. *Modern Literary Inquiries*. 53(208): 39-62. (in Persian)
- Shafii Kadkani, MR (2005). *Persian poetry courses from constitutionalism to the fall of the Kingship*. Tehtan: Sokhan. (in Persian)
- Shafii kadkani, MR (2005). Research: Ways to publish a poem in ancient times. *Bokhara*.7(36): 35-61. (in Persian)
- Shafii Kadkani, MR (2012). *With lights and mirrors, in search of the roots of the evolution of contemporary Iranian poetry*. Tehran: Sokhan. (in Persian)
- Shams Langroodi (1992). *Analytic History of Persian Modern Poetry*. Tehran: Markaz. (in Persian)
- Shohani,A and Hosseini.S (2018). Investigating the effects of cyberspace on contemporary language and literature. *Persian Language and Literature* . 71(237): 75-101. (in Persian)
- Strehove, Janez (2014). *The E-Literary Text as an Instrument and a Ride Novel Forms of Digital Literature and the Expanded Concept of Reading*. In: "NEW LITERARY HYBRIDS IN THE AGE OF MULTIMEDIA EXPRESSION". 341-356.